

# عامل مو ساد

## در دانشکده حقوق و علوم سیاسی



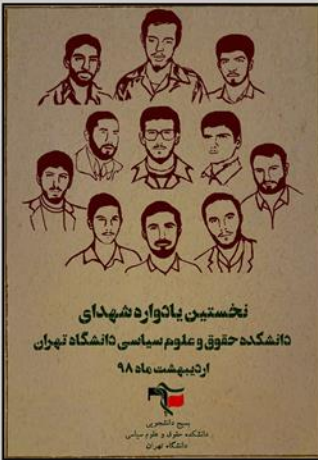
سال دوازدهم  
شماره یازدهم  
زیر نظر شورای سردبیری  
مدیر مسئول:  
سید محمد بنی رضی  
طراح: محمد فخرآ

جریان لندن نشین موسوم به جنبش سبز بسیار فعال بود و حتی با شادمانی در نوشته های خود خیر از آغاز روند فروپاشی نظام می داد. برای نمونه او در مقاله ای با عنوان شراب نو را در مشکهای نو باید ریخت که به همراه فردی به نام ایمان واقفی برای سایت ضدانقلاب گویا در تاریخ بیست و دو بهمن نمود و یک ، درباره فتنه هشتاد و هشت نوشت: باری جنبش سبز نقطه عطفی در تاریخ معاصر است که زمان را به دو قسمت پیشا هشتاد و هشت و پسا هشتاد و هشت تقسیم می کند. آن سال پایان بالقوه گی های درونی فضای موجود بود. جایی که سیاست های گذشته به پایان خود سلام می کنند. اگر پیشا هشتاد و هشت را تاریخ جهد سوزه های جمعی در بسط و گشایش مرزهای نمادین نظم مسلط بدانیم (به نحوی که محدودان و مطرودان را دوباره در خود ادغام کند)، خود هشتاد و هشت را باید انتهای منطقی این تلاش و پایان نفسی نخستین بخوانیم. از این رو پسا ۸۸ ، نقطه آغاز مرگ نمادین است. جایی که گونه دیگری از سیاست ورزی متولد می شود. سیاستی که نه دل نگران نمادها و ارزشهای نظم موجود، که دل سپار ساختن نوع جدیدی از روابط اجتماعی و خلق فضایی دگرگون است. سیاستی که به دنبال شکست نو است تا که شراب تازه اش را در آن ریزد. این گذار از نظم پیشین به نظم ممکن ما را به فراروی از جنبش سبز دعوت می کند. باید مرگ واقعی را از دالان جنبش سبز دست به دست کرد تا در انتهای آن با واقعیت مرگ خود رو به رو شود. در انتهای همین دالان است که مرگ نمادین تازه آغاز می گردد. در حقیقت هم او و قلمش در این مقاله، فتنه گران را به براندازی نظام تشویق و تشجیع می کنند. یا وقتی محمد نوری زاد، فرد سابقاً انقلابی که در جریان فتنه ۸۸ یک ضدانقلاب تمام عیار شد در ۵ سپتامبر ۲۰۰۹ ، مطلبی با عنوان هر که با عقل درافتاد ورافتاد! نوشت که ارزش پرداختن ندارد، لیکن کامنت همین جناب آریابزرز محمدی پای این مطلب، که تفکر دینی را تفکری عقب مانده و متسوخ می داند، خود گویای تفکرات اوست. نکته مهم دیگر درباره این فرد، همکاری نزدیک او با فردی به نام امیرحسین جهانشاهی و سازمان وابسته به او با اسم موج سبز است. امیرحسین جهانشاهی، عامل مهم سرورس اطلاعات خارجی رژیم صهیونیستی (موساد)، کسی بود که بر سر ماجرای نفوذ و ضدنفوذ محمدرضا مدحی و بخش مستندی در این باره از صدا و سیما با نام الماسی برای فریب، نامش در افکار عمومی داخل مطرح شد. جهانشاهی با همکاری فردی به نام مهرداد خوانساری، از عوامل قدیمی عربستان سعودی

به تازگی فردی برای ورود به هیئت علمی دانشگاه تهران اقدام کرده است که سوابق و ارتباطات وی نیاز به بررسی و تامل جدی از سوی مسوولان ذربیط دارد. اخیراً اخباری شنیده شده که قرار است فردی به عنوان عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران منصوب شود و پشت این انتصاب، طبقی از اساتید وابسته به جریان مشارکت و رییس اصلاحطلب این دانشکده و حتی در سطح مدیران ارشد دانشگاه تهران قرار دارند. نام این فرد آریابزرز محمدی است. آریابزرز محمدی، حدوداً ۴۲ ساله، متولد کشور کویت است و سابقه ۱۲ سال زندگی در کودکی در این کشور را دارد. او برای تحصیلات دانشگاهی به انگلستان رفت و به انجام رسانده است. محمدی در این دانشگاه، در مرکز مطالعات (DORHAM) تحصیلات تکمیلی خود را در دانشگاه دورهم بین المللی و تحت نظارت فردی به نام انوشیروان احتشامی آموزش دید. انوشیروان احتشامی، استاد تمام رشته روابط بین الملل دانشگاه دورهم، صاحب کرسی شیخ ناصر المجدد احمد الصباح، نخست وزیر پیشین کویت و از اعضای مهم خاندان سلطنتی کویت است. انوشیروان احتشامی سابقه همکاری با مرکز مطالعات استراتژیک امارات و مرکز مطالعات خلیج سمودی را دارد. او همچنین همکار گروه بین المللی بحران (از اندیشکده های وابسته به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا) را دارد. او همچنین عضو مرکز مطالعات پیشرفته جهان عرب وابسته به دولت انگلستان واقع در دانشگاه ادینبورگ است. گروه بین المللی بحران همان موسس های است که از طریق یکی از کارشناسان خود به نام علی واعظ، نقش بسیار پررنگی در پذیرفته شدن برجام به شکل فعلی توسط تیم مذاکره کننده هسته ای ایران داشت. او همچنین تحقیقاتی هم برای شرکت ژند یک موسسه برآورد اطلاعاتی و امنیتی که همکار دستگاه های اطلاعاتی آمریکاست نیز همکاری داشته است. رند بنا بر گزارش های متواتر منتشر شده، یکی از ۵ اندیشکده برتر امنیتی آمریکاست که در کنار مراکز چوون مرکز بلقر در دانشگاه هاروارد، خط مشی و سیاست اطلاعاتی و امنیتی در عرصه سیاست خارجی برای حکومت ایالات متحده تدوین می کند. آریابزرز محمدی شاگرد مستقیم و دست پرورده احتشامی است و چند مقاله مشترک با یکدیگر در سابقه دارند. اما خود محمدی، کسی است که طبق گزارش های رسیده از فعالان دانشجویی و البته سوابق ثبت شده و منتشر شده، یک عنصر به شدت ضدانقلاب و مخالف سرسخت جمهوری اسلامی است. او در سال هشتاد و هشت در زمینه تبلیغات و تحرکات







# #من هم یک سپاه ی\_ام



دولت ایالات متحده آمریکا دوشنبه گذشته در ادامه سیاست موسوم به فشار حداکثری (MAXIMUM PRESSURE) در اقدامی بی سابقه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه های تروریستی قرار داد. نکته اینجاست که اساسا قرار دادن نام یک نهاد حکومتی برخاسته از متن قانون اساسی یک کشور مستقل در لیست گروه های تروریستی، بدعتی بی سابقه است که جامعه جهانی تا به حال شاهد آن نبوده است. نکته حائز اهمیت این است که کارنامه سپاه رژیم حاکم بر ایالات متحده در قبال ملل مختلف دنیا دست کم در چند دهه گذشته، به اندازه کافی نشان دهنده ماهیت سفاک و به نوعی تروریستی این رژیم می باشد و مایه تاسف است که چنین دولتی، نیروی مسلح رسمی یک کشور مستقل را که به گواه بسیاری از نخبگان و شاهدان، در خط مبارزه با عناصر تروریستی و دست پرورده های آمریکا (به اعتراف خود شخص رئیس جمهور آمریکا و وزیر امور خارجه سابق این کشور) قرار داشته را که با ذکر این نکته که در حال صدور انقلاب اسلامی است، به مثابه یک سازمان شیطانی در لیست سازمان های تروریستی قرار دهد و مارک دبوویتسز - مدیرعامل موسسه دفاع از دموکراسی - سرور از این اقدام، این نهاد را بزرگ ترین و خطرناک ترین سازمان تروریستی جهان بنامد. در عین حال از طرف دیگر، در مقابل فجایعی که توسط برخی از هم پیمانان این کشور، از جمله عربستان سعودی، رژیم صهیونیستی و میانمار، سیاستی کاملا معکوس پیش می گیرد. گویا وضعیت جهان امروز ما صدقایی عیان از جمله مشهور جرج اورول است که «همه بپرند اما برخی برآیندند» اما در مورد نفس این اقدام این نکته را باید مد نظر قرار داد که اولاً اساسا سپاه در سال های اخیر به دلایل مختلف و متنوعی توسط ایالات متحده تحریم شده و از لحاظ محدودیت ها، به نظر نمی رسد که شرایط خاصی برای سپاه پیش بیاید، اما اکنون مسئله متفاوت است چرا که حالا سپاه در نظر آمریکایی ها سازمانی تروریستی است و نیرو های سنتکام نیز نزد جمهوری اسلامی، تروریست به شمار می رود در نتیجه طبعاً طرز برخورد این دو گروه با هم متفاوت خواهد بود. ثانیاً اکنون این سوال مطرح است که به طور کل ایالات متحده بر اساس چه تعاریف و معیار هایی سپاه را تروریست خوانده. هر چند تعاریفی که در درون ایالات متحده از مفهوم تروریسم تا کنون ارائه شده متفاوت است لکن شواهد حاکی از آن است که دولت ترامپ بر اساس فصول ۲۸ قانون مقررات فدرال و بند ۲۸ از فصل ۲۲ قانون موسوم به U.S CODE سپاه را ذیل سازمان های تروریست خارجی (FTO) (مشتای گروه هایی همچون حماس، حزب الله، القاعده و داعش قرار داده است). اگر مفاد این قوانین را مبنا قرار دهیم، که جزئیات آن از عهده این مطلب خارج است (، این اقدام بی شک تبعاتی را برای سپاه و در پی آن وضعیت امنیت منطقه پیش خواهد آورد. حال باید دید که در مقابل انسجامی که اکنون در جمهوری اسلامی ایران در پی این اقدام شکل گرفته، چه واکنشی و سیاستی را در پیش می گیرد.

محمد رضا دوکوهکی

گزارش ها، جوابیه ای نوشت و مدعی شد که پیوند خوردن او با این پروژه، با هماهنگی دستگاه های نظارتی بوده است و او قصد داشته یک پروژه ضد نفوذ را پیش ببرد. اما ماجرا وقتی جالب شد که در ده خرداد نمود و شیش، غلامحسین محسنی اژه ای، سخنگوی دستگاه قضا از این خبر داد که در دفتر مشاور فرهنگی رییس جمهور، حسام الدین آشنا، یک جاسوس دستگیر شده است. حالا یک بار دیگر، نام دانشگاه درونم و تلاش یک جریان خاص (که نام افرادی با پرونده مفتوح ضد امنیتی در بین آنها دیده میشود).

## برای نفوذ به عنوان هیات علمی به مهم ترین مرکز تدریس علم سیاست در کشور، یعنی دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران مطرح شده است.

گفتنی است که آریابزرز محمدی، جز دو یا سه مقاله که با انوشیروان احتشامی ارایه کرده و کتابی که به عنوان همکار با مرضیه کوهی صرفاً « ویراستاری » کرده و توسط انتشارات راتلج عرضه شده و سراسر، اتهام به جمهوری اسلامی ایران برای ساخت تسلیحات اتمی است، رزومه علمی پرکاری هم ندارد که این استخدام را حتی به لحاظ علمی تایید کند. سیاست هسته ای در آسیا، مجموعه مقالاتی ضدایرانی است که توسط مرضیه کوهی و آریابزرز محمدی ویراستاری شده است. مراکز آموزش عالی ما در سالیان اخیر، ده ها دانشجوی تخریب در مقطع دکترا، با صد ها مقاله و کتاب وزین و بربر در حوزه علم سیاست و روابط بین الملل تربیت کرده اند. باید از مسوولان ذریبط در دانشگاه تهران و وزارت علوم پرسید فردی با چنین سوابق آشکاری در ضدیت با نظام جمهوری اسلامی و بدون داشتن کارنامه علمی پژوهشی چگونه در اولویت استخدامی هیات علمی مهم ترین دانشگاه کشور قرار گرفته است. شاید از آن جهت است که فرزندان این افراد در خارج از کشور سکونت دارند و به همین واسطه با متحمل شدن فشار هایی بعضاً مجبور به دادن چنین امتیازاتی به ضد انقلاب و سفارت خانه های شان می شوند. لازم بذکر است، فرد مذکور با سوابق و پرونده ی ارائه شده، برای شرکت در یک نشست علمی داخل دانشکده به عنوان میهمان دعوت شده

ادامه سر مقاله

در لندن، قصد داشتند با سرمایه جهانشاهی و هدایت مוסاد و کمک مالی سعودی، با استفاده از یک شبکه داخلی (که گمان می بردند محمدرضا مدعی سرپرل این شبکه خواهد بود) برای سرنگونی جمهوری اسلامی اقدام کنند. جهانشاهی یک مهره آموزش دیده و مهم برای مוסاد است و حتی بر علیه اسلام سیاسی کتاب نوشته است. در همین راستا، شبکه تلویزیونی ماهواره ای رها در لندن توسط جهانشاهی تاسیس شد که تا زمان اعلام انحلال آن توسط جهانشاهی در سال نمود و، سه خط تبلیغاتی محور تل آویوریا را پیش می بردند. آریا برزن محمدی، تحلیل گر ثابت این شبکه ضدانقلاب بود. او لبنان و دولت بشار اسد را دنبال می کرد و بارها به مواضع منطق های جمهوری اسلامی (همصدا با دولت ریاض و دولت تل آویو) تاخته است. از این لحاظ، او که شاگرد انوش احتشامی در دانشگاه دوره هم است، کاملاً راه استاد خود را می رود، چرا که استاد او سال هاست که همکاری نزدیکی با دولت های امارات متحده عربی و عربستان سعودی دارد. احتشامی همین اخیراً در صفحه شخصی توئیتر خود در واکنش به اظهارات محمد جواد ظریف، جمهوری اسلامی را به کشتار مردم سوریه متهم کرده است. اما یک نکته بسیار مهم درباره دانشگاه دوره هم انگلستان وجود دارد. در بهمن نمود و چهار گزارشی در رسانه های داخلی منتشر شد که خبر از یک پروژه نفوذ بود. چنان که اسناد منتشره ویکی لیکس در آن برهه نشان می دهد، همکاری های آمریکا و انگلیس هم در سال های منتهی به سال دو هزار و نه به رغم تعطیلی ظاهری دفتر همکاری های دو کشور ادامه یافت. یکی از این اسناد، سند محرمانه وزارت خارجه آمریکا مربوط به آوریل دو هزار و هشتاد است که از سفارت آمریکا در لندن به واشنگتن ارسال شده است. این سند افشا می کند دانشگاه دوره هم انگلیس در لافقه فعالیت های علمی به وزارت خارجه آمریکا برای جاسوسی از ایران کمک کرده است. دانشگاه دوره هم برای اینکه آمریکا را متقاعد به دریافت بودجه سیصد هزار پوندی برای کمک به فعالیت های جاسوسی و تغییرات سیاسی در سطح توده مردم بکند بر ارتباط هایی که با مقامات بلندپایه ایرانی دارد تأکید کرده و افزوده این ارتباط ها می توانند پوشش سیاسی مناسبی برای این فعالیت فراهم آورند. سفارت آمریکا در انگلیس شیخ طرح پیشنهادی از کسانی که آن ها را مرتبطین ایرانی در لندن خطاب کرده دریافت کرده بود که قرار بود در قالب آنها زمینه های کسب اطلاعاتی از فضای سیاسی ایران در سطح توده مردم فراهم شود. دکتر محمد علی پدram و دکتر انوش احتشامی افرادی بودند که سفارت آمریکا در انگلیس از آن ها به عنوان مرتبطین واشنگتن در لندن یاد می کند و طرح هایی در همین راستا ارائه داده اند. جالب این است که در همین مجموعه اسناد مرتبط با پروژه جاسوسی دانشگاه دوره هم، نام حسام الدین آشنا، مشاور فرهنگی رییس جمهور و رییس مرکز بررسجهای استراتژیک ریاست جمهوری هم به عنوان کسی که دانشگاه دوره هم روی او برای همکاری حساب کرده، ذکر شده است. البته آشنا در همان زمان انتشار